

The Impact of Learning Strategies on Curiosity and Interest of Preschool Students with Intellectual Disabilities

Hojatollah Ragheb, M.A.¹

Received: 9.1.12 Revised: 8.5.12 Accepted: 4.8.12

Abstract:

Objective: This study examines the effect of Learning strategies on Curiosity and Interest of preschool students with intellectual disabilities (ID). **Method:** Utilizing a quasi-experimental design, 141 preschool students with ID (70 experimental, 71 control group) by cluster random sampling method, were selected. During the study, the experimental group was exposed to the intervention program and the control group was not. **Results:** MANOVA analysis revealed a significant difference between the two groups in Curiosity and Interest. No significant difference was observed between boys and girls. **Conclusion:** Learning strategies of Approaches to Learning Domain had significant impact on Increasing Curiosity and Interest of preschool students with ID.

Keywords: Learning strategies, curiosity and interest, preschool, intellectual disabilities

1. Academic Member of Exceptional Children Research Institute

اثربخشی راهبردهای یادگیری بر کنجکاوی و علاقه در دانش آموزان پیش دبستانی کم توان ذهنی

حجت اله راغب^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۹ تجدیدنظر: ۹۱/۲/۱۹ پذیرش نهایی: ۹۱/۵/۱۴

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی راهبردهای یادگیری بر افزایش علاقه و کنجکاوی در دانش آموزان پیش دبستانی کم توان ذهنی است. **روش:** روش این پژوهش نیمه تجربی و از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود که در آن نمونه‌ای شامل ۱۴۱ نفر (۷۰ نفر گروه آزمایش و ۷۱ نفر گروه گواه) از دانش آموزان پیش دبستانی کم توان ذهنی مراکز آموزشی استثنایی شهر تهران، انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی (خوشه‌ای چندمرحله‌ای) انجام شد و آزمودنیها به صورت جایگزینی تصادفی، در دو گروه آزمایش و گواه مورد مطالعه قرار گرفتند. در فرایند طرح، گروه آزمایشی تحت آموزش برنامه مداخله‌ای مبتنی بر راهبردهای یادگیری حیطه رویکردها به یادگیری، با هدف افزایش علاقه و کنجکاوی قرار گرفت و گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. **یافته‌ها:** تحلیل نتایج با استفاده از روش آمار استنباطی مانوا نشان داد که بین عملکرد گروه آزمایش و گروه گواه، در مؤلفه کنجکاوی و علاقه تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد؛ به دیگر سخن، اجرای برنامه راهبردهای یادگیری حیطه رویکردها به یادگیری، سبب افزایش کنجکاوی و علاقه دانش آموزان کم توان ذهنی پیش دبستانی شده است؛ همچنین تحلیل یافته‌ها نشان داد که بین دخترها و پسرها، تفاوت معناداری وجود ندارد. **نتیجه‌گیری:** دانش آموزان پیش دبستانی کم توان ذهنی گروه آزمایش که راهبردهای مداخله‌ای در مورد آنها اجرا شده بود، عملکرد بهتری نسبت به گروه گواه نشان دادند؛ بنابراین اجرای این برنامه مداخله‌ای احتمالاً می تواند باعث افزایش عملکرد دانش آموزان کم توان ذهنی پیش دبستانی در مؤلفه کنجکاوی و علاقه تفسیر شود و آنها را برای ورود به دبستان و درک بهتر مفاهیم آموزشی آماده کند.

واژه‌های کلیدی: کنجکاوی و علاقه، راهبردهای یادگیری، دانش آموز پیش دبستانی کم توان ذهنی

۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده کودکان استثنایی

مقدمه

برآوردها نشان می‌دهد نزدیک به ۷۸۰ میلیون کودک که در سنین بین تولد تا پنج سالگی قرار دارند، ممکن است به مشکلات ذهنی گرفتار شوند. این مشکلات از طیف خفیف تا شدید کم‌توانی ذهنی را شامل می‌شود (النس، ۲۰۰۳). گرچه عوامل محیطی متعددی برای ناهنجاریهای ذهنی ذکر شده ولی باید اذعان داشت که اکثر این عوامل، با علل زیستی در تعامل هستند (مسال، بیر، لاگاس، ترمونت و لستر، ۱۹۹۸؛ فوجیورا و یماکی، ۲۰۰۰؛ پارک، ترنبال و ترنبال، ۲۰۰۲؛ به نقل از گورالنیک، ۲۰۰۵). مسئله اساسی این است که آیا از طریق مداخله بهنگام می‌توان در فرایند رشد عقلی کودکان کم‌توان ذهنی تغییرات دلخواه را ایجاد کرد. چندین دهه پژوهش در مقیاسهای کوچک و بزرگ، حاکی از نتایج مثبتی است که از مداخله بهنگام در مورد کودکان کم‌توان ذهنی، حاصل شده است. برنامه‌های مداخله‌ای بهنگام قادرند در رشد ذهنی کودکان کم‌توان ذهنی که عمدتاً در سالهای ابتدایی رشد مشخص می‌شوند، آثار منفی را کاهش دهند (بری، گان و آندریوز، ۱۹۸۴؛ وودز، کرنی و پریس، ۱۹۸۴؛ شاراو و شالومو، ۱۹۸۶). علاوه بر آثار سریع و مثبت برنامه‌های مداخله‌ای بهنگام، در مورد رشد عقلی کودکان کم‌توان ذهنی، آثار طولانی‌مدت این برنامه‌ها نیز بررسی شده است (گورالنیک، ۲۰۰۵).

برنامه‌های مداخله‌ای بهنگام، برای کودکان خردسالی که دچار معلولیت هستند و یا در معرض خطر معلولیت قرار دارند، ترکیبی از رویکردهای آموزشی، فلسفی و شیوه‌های آموزشی را ایجاد کرده است (ادم، ۱۹۸۸؛ وارن و کایزر، ۱۹۸۶). این رویکردها و شیوه‌ها از بحثهای رایج پژوهشگران و متخصصان به‌شمار می‌رود (برای نمونه اتواتر، کارتا، شوارتز و مک‌کانل، ۱۹۹۴؛ کارتا، ۱۹۹۵؛ کارتا، شوارتز، اتواتر و مک‌کانل، ۱۹۹۱؛ کافمن، ۱۹۹۹؛ نوپک، ۱۹۹۳ بحثهای متعددی را در این حوزه مطرح

کرده‌اند). با این حال رویکردهای مداخله‌ای که آنها برای کار با کودکان خردسال معلول یا در معرض خطر برگزیده‌اند، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، براساس فعالیتهایی است که در مورد کودکان بزرگ‌تر، انجام شده است. رویکردهای مداخله‌ای برای کودکان خردسال و دانش‌آموزان پیش‌دبستانی، براساس روشهای پیشین پایه‌ریزی شد؛ بدینسان تعدادی از برنامه‌های مداخله‌ای برای کودکان پیش‌دبستانی معلول به‌وجود آمد. این برنامه‌ها به‌صورت ترکیبی از اصول فلسفی، رویکردهای آموزشی و روشهای تدریس قابل رؤیت هستند. هدف برنامه‌های مذکور، هدایت صحیح کودکان و توجه به وضعیت و موقعیت آنان است (پرتی فرونتزاک و بریکر، ۲۰۰۴).

تحلیل رشد عقلی کودکان در معرض خطر و کودکانی که دارای ناتوانیهای تثبیت‌شده هستند، بر وجود الگوهای مبهم در رشد ذهنی کودکان در پنج سال اول زندگی، تأکید می‌کند. در باره آثار کوتاه‌مدت مداخله بهنگام، توافق کلی وجود دارد. با توجه به منطق طرحهای آزمایشی، به‌نظر می‌رسد آثار متفاوت مداخله‌ها مربوط به نوع مداخله است. این نکته که چرا مداخله بهنگام، آثار کوتاه‌مدتی ایجاد می‌کند، به اهمیت کلی مداخله بهنگام برمی‌گردد. براساس دانش مربوط، به عواملی که در رشد شناختی تأخیر به‌وجود می‌آورند و با توجه به نوع عملکرد برنامه‌های مداخله‌ای در پیشگیری از این تأخیر، می‌توان یک راهنما برای مداخله‌های مبتکرانه ارائه داد. در ضمن ممکن است بتوان چارچوبی فراهم کرد که موجب طراحی برنامه‌های مداخله‌ای بهنگام با تاثیرات طولانی‌مدت شود (فلدمن، ۲۰۰۴).

گروهی از برنامه‌ریزان با در نظر گرفتن طیف گسترده تواناییها و تجربه‌هایی که در فرایند رشد و یادگیری دوران خردسالی اتفاق می‌افتد، اعلام کردند که رشد و یادگیری دوران خردسالی، در پنج بعد آشکار می‌شود. ۱) حیطه تندرستی جسمانی، سلامت و رشد حرکتی، ۲) حیطه رشد اجتماعی-هیجانی،

۳) حیطه رویکردها به یادگیری، ۴) حیطه شناخت و دانش عمومی و ۵) حیطه زبان، ارتباط و سوادآموزی (هیأت تعیین اهداف آموزش و پرورش ملی^۱، ۱۹۹۱). حیطه رویکردها به یادگیری^۲ با مبحث رویکردهای یادگیری^۳ متفاوت است و یکی از حیطه‌های رشدی به‌شمار می‌رود. در واقع رویکردهای یادگیری، خرده‌حیطه رویکردها به یادگیری تلقی می‌شود. رویکردها به یادگیری به تمایل، استعداد یا شیوه‌هایی که منعکس‌کننده روشهای درگیر شدن کودکان در یادگیری و تمایل به پی‌گیری آن است، اطلاق می‌شود. رویکردها به یادگیری در بین و درون فرهنگها متفاوت است و باید مورد توجه قرار گیرد. این حیطه تصویری هماهنگ و مدون از رویکرد به آموزش و پرورش دوران خردسالی با این هدف که کودکان دارای مسائل مشابهی هستند، ارائه می‌دهد. یک کودک موفقیت را به روش‌های گوناگونی در مدرسه، کسب می‌کند. خانواده‌ها و مربیان باید شیوه‌های مختلفی را که کودکان برای یادگیری به کار می‌برند، درک کنند تا از چگونگی تحریک کودکان به یادگیری و تشویق آنان، آگاه باشند. حیطه رویکردها به یادگیری دارای پنج مؤلفه است که اولین مؤلفه آن در مورد کنجکاوی و علاقه است (کاگان، مور و بردکمپ، ۱۹۹۸). حیطه رشدی رویکردها به یادگیری بر اساس فعالیت‌های پژوهشی ولف (۱۹۹۲) که در قالب یک گزارش تحت عنوان «رویکردها به یادگیری: چشم‌اندازی بر ورود کودکان به مدرسه و آمادگی برای یادگیری» آورده شده بود، شکل گرفت. همزمان با ولف، گزارش دیگری را کاتز (۱۹۹۲) منتشر کرد که از نظر چارچوب بسیار به کار ولف نزدیک بود. به این ترتیب کاگان، مور و بردکمپ (۱۹۹۵) با استفاده از کار این دو پژوهشگر، حیطه رویکردها به یادگیری را به مثابه یکی از حیطه‌های رشدی پنج‌گانه مطرح کردند.

همان‌گونه که مطرح شد حیطه رویکردها به

یادگیری، دارای پنج مؤلفه است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: ۱) کنجکاوی و علاقه، ۲) ابتکار، ۳) پایداری و توجه، ۴) خلاقیت و نوآوری و ۵) تعمق و تفسیر. در پژوهش حاضر، اثربخشی راهبردهای یادگیری بر افزایش کنجکاوی و علاقه در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی بررسی می‌شود. مؤلفه کنجکاوی و علاقه بیان‌کننده حس کنجکاوی کودکان، علاقه به پی‌گیری اطلاعات جدید، اشتیاق نسبت به دانش‌نوین و میل به یادگیری است. اصطلاح کنجکاوی هم برای توصیف یک رفتار ویژه به کار می‌رود و هم به‌عنوان یک سازه فرضی برای تشریح همان رفتار، مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاوش به کل فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در پی کسب اطلاعات از محیط هستند. چهار مقوله برای کنجکاوی، مطرح می‌شود. تعریف کنجکاوی، ابعاد آن، علت عمل ارادی برای کنجکاوی و همچنین عوامل موقعیتی که کنجکاوی را تحریک می‌کنند. کنجکاوی می‌تواند تحریک شود، باعث تغییر شود، یا به‌طور ناگهانی به پایان برسد. علی‌رغم ناپایداری کنجکاوی، گاهی اوقات کنجکاوی می‌تواند نیروی انگیزشی قدرتمندی را به وجود آورد. کنجکاوی غالباً موجب تلاش در جهت خودگردانی^۴ می‌شود (لون اشتاین، ۱۹۹۴). توماس کنجکاوی را به مثابه عادت که به موقعیتها بستگی دارد، مورد تحلیل قرار می‌دهد و آن را به شکل حقیقی بیان می‌کند که تمایل مناسب دانش‌آموز را در بر می‌گیرد. به‌نظر توماس، کنجکاوی میل مستقیم برای دانستن است (آتکینز، ۲۰۰۴). کالینز (۱۹۹۶) اعلام می‌کند که کنجکاوی همانند تخیل^۵، رویکردی برای دانستن است. به اعتقاد او کودک در کلاس درس همانند یک دانشمند بزرگسال، دانستن را جست‌وجو می‌کند. شالتیس و استید (۲۰۰۴) نیز هنگامی که کنجکاوی را با چند جنبه دیگر از خصوصیات دانش‌آموزان از جمله اکتشاف^۶، اطلاعات عمومی، علاقه‌ها، مکان کنترل^۷، خودپنداره^۸ و ... مورد بررسی

قرار دادند، دریافتند که بین این ویژگیها همبستگی چشمگیری وجود دارد.

گروه آموزشی یادگیری خردسالی از دفتر آموزش عمومی واشنگتن^۹ (۲۰۱۲) اثربخشی راهبردهای حیطه رویکردها به یادگیری بر علاقه و کنجکاوی در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی را در حوزه‌های فعالیت، محیط، دانش و یادگیری برای یادگیری مورد بررسی قرار داد. بر اساس شاخصهایی که در هر یک از این حوزه‌ها تدوین شده بودند، برنامه مذکور اثرگذار بود و به اهداف خود، دست یافته بود. دومینیگوئز، ویتیلو، میر و گرینفیلد (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای طولی، اثرگذاری حیطه رویکردها به یادگیری بر چند مؤلفه، از جمله مولفه کنجکاوی را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهشگران دریافتند که برنامه مذکور، در افزایش کنجکاوی مؤثر است. در ضمن معلوم شد که این مؤلفه یکی از عوامل پیش‌بینی کننده بسیار مهم برای پیشرفت تحصیلی به حساب می‌آید. دونون و ویولاتو (۲۰۰۳) در یک بررسی متوجه شدند که رویکردهای یادگیری دانش‌آموزان به دو صورت رویکردهای سطحی و رویکردهای عمقی تقسیم می‌شود. آنها دریافتند که انگیزه موفقیت و راهبردهای فرعی، شاخصهای مهمی برای رویکردهای سطحی و عمقی تلقی می‌شوند. به نظر گودسون (۲۰۰۹) رشد کنجکاوی و علاقه در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی، به همراه رفتارها و مهارتهای مشابه، می‌تواند فاصله بین کودکان ناموفق با کودکان موفق را کاهش دهد. اداره آموزش کالیفرنیا (۲۰۱۰) مؤلفه کنجکاوی را به همراه عواملی چون حل مسئله، ابتکار، حافظه و دانش بر اساس برنامه‌ای که برای رشد شناختی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی تدوین شده است، مورد بررسی قرار داد. این بررسی با توجه به اهداف و شاخصهایی که برای این مؤلفه به صورت استاندارد تدوین شده، انجام گرفت. نتایج نشان داد که برنامه مذکور در جهت افزایش کنجکاوی و علاقه در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی مؤثر بوده است. کالت و هامل (۲۰۰۶)

در کارولینای شمالی اثربخشی راهبردهای یادگیری بر کنجکاوی و علاقه دانش‌آموزان پیش‌دبستانی را بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که کنجکاوی کودکان، ناشی از میل ایشان برای اکتساب، سازمان‌دهی و استفاده از اطلاعات به شیوه‌های پیچیده است. کودکان پیش‌دبستانی از طریق بازی، اکتشاف، جست‌وجو، حل مسئله و تفکر منطقی به یادگیری می‌پردازند و راهبردهای یادگیری در افزایش کنجکاوی و علاقه آنها، اثر گذار است. در پژوهشی دیگر بریانت و وینسلو (۲۰۰۵) در قسمتی از گزارش خود، به اثر راهبردهای یادگیری بر افزایش کنجکاوی و علاقه اشاره می‌کنند. آنها پس از اعمال راهبردهای یادگیری برای کودکان پیش‌دبستانی برخی از شاخصهای کنجکاوی و علاقه را به صورت درصد بیان کرده‌اند. برای نمونه ۹۴ درصد از کودکان تکلیفی را که به آن علاقه پیدا کرده بودند، به اتمام رساندند. ۹۳ درصد آنان در تلاش برای حل مسئله به جست‌وجوی کمک از بزرگسالان متوسل شدند، یا ۹۷ درصد آنان برای کسب تجارب متنوع به طور مستقل اقدام کردند. لاکسو، پویکیس، کلاند و لیتین (۲۰۰۴) علاقه به شرکت در خواندن را در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی مورد بررسی قرار دادند. آنها ۱۵۶ کودک را به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم کردند و بر اساس برنامه طراحی شده‌ای راهکارهایی را که منجر به ایجاد علاقه در کودکان می‌شود، در گروه آزمایش که ۸۲ نفر بودند به اجرا در آوردند. نتایج نشان داد که اجرای برنامه مداخله‌ای علاقه دانش‌آموزان پیش‌دبستانی به مشارکت در خواندن را افزایش می‌دهد. استدنیتز (۱۹۸۶) هم اثربخشی افزایش فعالیتهای متنوع در گسترش علاقه‌های دانش‌آموزان خردسال را در پژوهشی بررسی کرد. نتایج حاکی از آن بود که طراحی برنامه‌های مبتنی بر فعالیتهای غنی و پرمحتوا، باعث گسترش علاقه دانش‌آموزان پیش‌دبستانی در زمینه‌های مختلف می‌شود. نتایج پژوهش راغب (۱۳۸۶) در مورد مقایسه دانش‌آموزان

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر نیمه تجربی و از نوع طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. در این روش، آزمودنیها به صورت تصادفی انتخاب و به کمک همین روش، در گروههای مختلف جایگزین می‌شوند؛ سپس قبل از اجرای متغیر مستقل، آزمودنیهای انتخاب‌شده در هر گروه به وسیله پیش‌آزمون مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرند. نقش پیش‌آزمون در این طرح، اعمال کنترل (کنترل آماری) و مقایسه و در نتیجه، تعیین این موضوع است که آیا تغییر ایجاد شده ناشی از اجرای متغیر آزمایشی بوده است و یا عوامل دیگر (دلاور، ۱۳۷۷).

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر کم‌توان ذهنی که در کلاسهای پیش-دبستانی آموزشگاههای استثنایی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ تحصیل می‌کردند، تشکیل می‌داد. در پژوهش حاضر، از روش نمونه‌گیری تصادفی (خوشه‌ای چندمرحله‌ای) استفاده شده است. براین اساس، ابتدا از بین مراکز آموزشی کم‌توان ذهنی شهر تهران وابسته به مدیریت آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران ۱۶ مرکز (۸ مدرسه دخترانه و ۸ مدرسه پسرانه) که دارای پایه پیش‌دبستانی هستند، به صورت تصادفی، انتخاب شدند؛ سپس در بین مدارس دخترانه ۴ مدرسه به عنوان گروه گواه و ۴ مدرسه دیگر به عنوان گروه آزمایش، با روش تصادفی، برگزیده شدند. این عمل در مورد مدارس پسرانه نیز انجام شد؛ یعنی ۴ مدرسه در گروه گواه و ۴ مدرسه در گروه آزمایش قرار گرفتند. در مراکزی که بیش از یک پایه پیش‌دبستانی داشتند، یکی از پایه‌ها به صورت تصادفی انتخاب شد؛ به این ترتیب با استفاده از روش تصادفی (خوشه‌ای چند مرحله‌ای) نمونه مورد مطالعه به این صورت در آمد: گروه آزمایش شامل ۴۲ دختر و ۲۸ پسر و گروه گواه شامل ۳۷ دختر و ۳۴ پسر.

پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی با دانش‌آموزان پیش‌دبستانی عادی نشان می‌دهد که در مؤلفه کنجکاوی و علاقه، تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد و میانگین نمرات دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، پایین‌تر از دانش‌آموزان عادی است.

با در نظر گرفتن تأثیر مداخله بهنگام بر بهبود رشد و تحول کودکان پیش‌دبستانی در گروههای عادی و استثنایی و از جمله در کودکان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی، حال این سؤال مطرح است که آیا استفاده از برنامه مداخله‌ای، که براساس راهبردهای حیطه رویکردها به یادگیری تدوین شده است، کنجکاوی و علاقه کودکان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی را افزایش می‌دهد؟ از پژوهشهای انجام‌گرفته استنباط می‌شود که عملکرد کودکان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی در مؤلفه کنجکاوی و علاقه به‌طور معناداری از کودکان پیش‌دبستانی عادی، پایین‌تر است (راغب، الف، ۱۳۸۶) و مداخله بهنگام می‌تواند موجب بهبود و ارتقای عملکرد دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی در کنجکاوی و علاقه شود. حیطه رویکردها به یادگیری در پنج مؤلفه تدوین شده است؛ یکی از این مؤلفه‌ها کنجکاوی و علاقه نام دارد. در این حیطه، علاوه بر ارائه اهداف و شاخصهای ارزیابی کنجکاوی و علاقه، چندین راهبرد برای افزایش کنجکاوی و علاقه و ایجاد آمادگی تحصیلی برای ورود به دبستان مطرح شده است (کاگان، بریتو، کوئرز و تارانت، ۲۰۰۴). در پژوهش حاضر نیز بر اساس همین راهبردها نوعی برنامه مداخله‌ای تدوین شده و با استفاده از نظر متخصصان پیش‌دبستانی و همچنین مربیان کم‌توان ذهنی اصلاح و آماده اجرا شد. در قسمت ابزار پژوهش بخشی از محتوای برنامه آورده شده است. این پژوهش نیز با هدف تعیین اثربخشی راهبردهای مداخله‌ای (که براساس راهبردهای حیطه رویکردها به یادگیری تهیه شده) بر افزایش کنجکاوی و علاقه در کودکان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی انجام گرفت.

ابزار پژوهش

الف - سیاهه ارزیابی آمادگی تحصیلی کودکان

پیش دبستانی در حیطه رویکردها به یادگیری

سیاهه ارزیابی آمادگی تحصیلی که با توجه به اهداف و شاخص‌های کاگان، بریتو، کوئرز و تارانت (۲۰۰۴) در حیطه رویکردها به یادگیری تدوین شده، از پنج خرده‌آزمون تشکیل شده است. این خرده‌آزمون‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: کنجکاوی و علاقه، ابتکار، توجه و پایداری، خلاقیت و نوآوری و تعمق و تفسیر. ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه مذکور را (راغب، ب ۱۳۸۶) ارائه کرده است. ضرایب تشخیص گویه‌ها از قدرت تشخیص بالایی برخوردار و ضریب اکثر گویه‌ها بالای ۰/۶ است. اعتبار آن که بر اساس همسانی درونی کل پرسشنامه و مؤلفه‌های آن که با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد، نشان داد نمرات مؤلفه‌ها و پرسشنامه از همسانی درونی بالایی برخوردار و اعتبار کل پرسشنامه ۰/۹۸ و اعتبار خرده‌آزمون کنجکاوی و علاقه ۰/۹۶ است که بسیار بالاست. یافته‌های مربوط به تمایزگذاری گروهی (کودکان عادی و کودکان کم‌توان ذهنی) به‌عنوان شاهد روایی سازه (روایی تفکیکی) که با مقایسه میانگین‌های دو گروه عادی و کم‌توان ذهنی انجام گرفت، تفاوت معناداری بین عملکرد دو گروه در مؤلفه‌های کنجکاوی و علاقه، ابتکار، پایداری و توجه، خلاقیت و نوآوری، تعمق و تفسیر و کل پرسشنامه ($\alpha = 0.98$) نشان داد که می‌توان از این امر به‌عنوان شاهی برای روایی سازه کل پرسشنامه و مؤلفه‌های آن استفاده کرد.

ب - برنامه راهبردهای حیطه رویکردها به

یادگیری

برنامه راهبردهای حیطه رویکردها به یادگیری براساس راهبردهای ارائه شده کاگان، بریتو، کوئرز و تارانت (۲۰۰۴) در دفتر آموزش عمومی واشنگتن، تنظیم شده است. راهبردهای حیطه رویکردها به یادگیری در پنج مؤلفه، تدوین شده است. اولین مؤلفه کنجکاوی و علاقه نام دارد. در پژوهش حاضر، با

استفاده از راهبردهای مذکور، برنامه مداخله‌ای تنظیم شده و جهت استفاده از نظر کارشناسان، در اختیار دو کارشناس آموزش پیش‌دبستانی (دارای مدرک لیسانس در رشته علوم تربیتی با گرایش پیش‌دبستانی و دبستانی) و دو کارشناس آموزش و پرورش استثنایی (شاغل در آموزش پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی) قرار گرفت. کارشناسان فوق نظرات اصلاحی خود در مورد برنامه را ارائه کردند و برنامه نهایی با توجه به اصلاحات و پیشنهادها مطرح شده تدوین شد. پس برنامه راهبردهای حیطه رویکردها به یادگیری بر اساس راهبردهای ارائه شده کاگان، بریتو، کوئرز و تارانت (۲۰۰۴) در دفتر آموزش عمومی واشنگتن در مؤلفه کنجکاوی و علاقه، به‌همراه نظرها و پیشنهادها اصلاحی کارشناسان آموزش و پرورش پیش‌دبستانی استثنایی و عادی تهیه شده است. راهبردهای مذکور تا سال ۲۰۱۲ تغییر چندانی نکرده‌اند و ثبات تقریبی راهبردها، نشان‌دهنده اثرگذاری آنها در برنامه‌هایی است که همه ساله برای دانش‌آموزان از خردسالی تا پیش از دبستان اجرا می‌شود.

در برنامه راهبردهای مداخله‌ای پس از معرفی هر راهبرد، یک یا دو فعالیت برای مربی تشریح شده است. این فعالیتها چارچوب آموزش مربی را تعیین می‌کند. میزان آموزش و تعداد دفعات آموزش هر راهبرد و فعالیت‌های مربوط به آن، به عواملی چون ماهیت آن فعالیت، ابزارهای مورد نیاز، اقدامات مهیاسازی، میزان آمادگی و مشارکت دانش‌آموزان و بالاخره رسیدن به سطح بهینه از کسب مهارت و تسلط در فعالیت مذکور، برای دستیابی به هدف راهبرد ارائه شده بستگی دارد. به این ترتیب راهبردهای مداخله‌ای مؤلفه کنجکاوی و علاقه در قالب فعالیت‌های پیش‌بینی شده در طول سال تحصیلی، به دانش‌آموزان پیش‌دبستانی آموزش داده می‌شود. تعداد پنج راهبرد اصلی در برنامه پیش‌بینی شد که هر راهبرد شامل حداقل دو شرح فعالیت است.

هر یک از فعالیتهای مطرح شده نیز نیازمند مقدمه چینی و آماده کردن زمینه برای آموزش است. در زیر تعدادی از راهبردهای مؤلفه کنجکاوی و علاقه، به همراه برنامه مداخله‌ای مربوط به آن در قالب شرح فعالیت آورده می‌شود:

راهبرد ۱: برای کودک شرایطی ایجاد کنید تا به‌طور مستقل به یافتن پاسخ اقدام کند.

شرح فعالیت ۱:

با استفاده از یکی از کتابهای قصه که دارای تصویر است، برای کودکان قصه بگویید. این کار را می‌توانید با استفاده از کارتهای مصور قصه‌گویی نیز انجام دهید؛ سپس کودکان را تشویق کنید تا با استفاده از تصویرهای مربوط به قصه، به‌صورت مستقل، به تعریف آن قصه بپردازد.

شرح فعالیت ۲:

یکی از کتابهای مربوط به ترکیب رنگها را برای کودکان بخوانید. بچه‌ها علاقه‌مند می‌شوند با ترکیب دو یا چند رنگ، رنگهای دیگری تولید کنند. زمینه‌ای فراهم کنید که کودکان بتوانند در هر نوبت به‌طور مستقل دو رنگ را با یکدیگر مخلوط کنند و رنگ تازه‌ای بسازند؛ سپس آنها را تشویق کنید تا تمام رنگهای رنگین کمان را به‌طور مستقل، با سه رنگ اصلی پدید آورند.

راهبرد ۲: به کودک کمک کنید تا نحوه پاسخ دادن به پرسشها را با استفاده از منابع درک کند.

شرح فعالیت ۱:

برای تحریک حس کنجکاوی و برانگیختن علایق کودکان، قبل از ورود به کلاس تصاویری از گیاهان، گلها و درختان مختلف را در کلاس نصب کنید و یک گلدان گل طبیعی روی میز قرار دهید. به‌طوری که کودکان تشخیص دهند در رابطه با چه موضوعی در کلاس صحبت خواهد شد. بهتر است با این جمله شروع کنید: «امروز می‌خواهیم درباره گیاهان مطالبی بیاموزیم». سپس پرسشهای زیر را مطرح کنید:

۱- چه تصاویری امروز در کلاس می‌بینید؟

۲- چه کسی در حیاط خانه‌شان باغچه دارد؟ چه گیاهانی در آن کاشته‌اید؟

۳- به نظر شما گیاهان برای رشد به چه چیزهایی نیاز دارند؟

۴- چگونه از آنها مواظبت می‌کنید؟

۵- چه استفاده‌ای از گیاهان می‌شود؟

۶- در حفظ محیط زیست چه اثری دارند؟

۷- کدام یک از غذاهای ما از دانه گیاهان است؟

۸- آیا می‌توانید یک دانه بکارید؟

شرح فعالیت ۲:

کودکان را به بوستان یا فضای نزدیک مهدکودک برید. هر یک از آنها در این گردش، یک پاکت به‌همراه داشته باشند تا در طول مسیر آنچه را که در رابطه با گیاهان پیدا می‌کنند، در آن ببنند.

شما نیز چند پاکت به‌همراه داشته باشید تا در طول مسیر در آنها گل، برگهای مختلف، شاخه‌های کوچک، پوست درختان، خزه و ... را ببنند. هنگامیکه به کلاس برگشتید، فعالیتهای زیر را انجام دهید:

۱- از داخل پاکت خود، برگ را بیرون بیاورید و بگویید: «بچه‌ها ببینید آیا شما هم داخل پاکتهایتان برگ شبيه به این دارید؟»

۲- در حالی که کودکان در جست‌وجوی برگ مشابه برای مقایسه با برگ شما هستند، از آنان بخواهید تا به جزئیات برگ که در دست دارید، توجه کنند. سپس بگویید: «آیا برگی که در دست دارید شبیه برگ من است؟» آیا نوک برگ که دارید مثل این برگ گرد است؟» ممکن است کودکان قبلاً درباره گیاهان اطلاعات زیادی داشته باشند. به حرفهای آنان گوش کنید.

راهبرد ۳: علاقه کودکان را به تهیه کتاب، فیلمهای آموزشی، اسباب بازیها و غیره شکل دهید.

شرح فعالیت ۱:

یک کتابخانه کوچک در کلاس درست کنید، به‌گونه‌ای که کودکان به راحتی بتوانند روی جلد کتابها را

بینند؛ علاوه بر کتابها و مجله‌های کودکان، می‌توانید از مجله‌های مخصوص گیاهان، تصاویر اتومبیل و اسباب بازیها و بخشی از روزنامه‌ها که مطالب مربوط به کودکان را می‌نویسند، در کتابخانه استفاده کنید. همچنین از نوارهای صوتی که مربوط به قصه‌های کودکان است، استفاده کنید. درحالی‌که کودکان مشغول تماشای تصاویر کتاب قصه مربوط هستند، صدای قصه را نیز برای آنها پخش کنید. ضمناً می‌توانید از والدین نیز برای ضبط داستانهای مورد نظر کودکان استفاده کنید. ترتیبی اتخاذ کنید که کودکان بتوانند از کتابهای کتابخانه در منزل نیز استفاده نمایند. برای این کار بر روی جلد پشت کتاب کاغذی را نصب کنید که اسامی دانش‌آموزان کلاس با رنگ قرمز بر آن نوشته شده است. کودک هر بار که از کتاب مذکور استفاده می‌کند، با مداد مقابل نام خود علامت می‌زند. به این ترتیب بچه‌ها به کتاب علاقه بیشتری نشان می‌دهند.

شرح فعالیت ۲:

با استفاده از اسباب بازیهای نظیر بلوکهای پلاستیکی ساختمان‌سازی یا خانه‌سازی که موجب هماهنگی بین عضلات دست و چشم می‌شوند، می‌توانید علاقه کودکان به اسباب بازی را شکل دهید؛ در ضمن، افزون بر رشد هماهنگی بین عضلات چشم و دست، تشخیص شنوایی و بینایی پیشرفت می‌کند، حافظه و توجه تقویت می‌شود و مهارت کلامی و درک مفاهیم، افزایش می‌یابد.

بازیهای دیگری که می‌تواند در جهت رشد این راهبرد مورد استفاده قرار گیرد عبارت است از: چرخاندن فرفره بر روی میز مخصوص، حل معماهای تصویری و کارتهای بازی با تصاویر.

روش اجرا

پس از تعیین گروههای آزمایش و گواه، ابتدا جهت تعیین وضعیت مؤلفه کنجکاوی و علاقه در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی، خرده‌حیطه کنجکاوی و علاقه سیاهه ارزیابی آمادگی تحصیلی

کودکان پیش‌دبستانی در حیطه رویکردها به یادگیری، برای دو گروه آزمایش و گواه اجرا شد، بدین نحو که قبل از اجرا، در هر دو گروه شیوه تکمیل خرده‌حیطه کنجکاوی و علاقه سیاهه ارزیابی به مربیان دانش‌آموزان پیش‌دبستانی آموزش داده شد. مربیان هر دو گروه، با توجه به مشاهده یک الی دو هفته‌ای و همچنین شناختی که از قبل در مورد دانش‌آموزان داشتند، نسبت به تکمیل خرده‌حیطه کنجکاوی و علاقه سیاهه ارزیابی آمادگی تحصیلی کودکان پیش‌دبستانی اقدام کردند و به این ترتیب، اطلاعات پیش‌آزمون در مورد دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی پیش‌دبستانی گروه آزمایش و گواه جمع‌آوری شد؛ سپس راهبردهای مداخله‌ای حیطه رویکردها به یادگیری در خرده‌حیطه کنجکاوی و علاقه برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی، که شامل چند راهبرد و برای هر راهبرد یک الی چند فعالیت پیشنهادی در قالب یک برنامه آموزشی تنظیم شده بود، به مربیان گروه آزمایش (مربیان هشت کلاس) آموزش داده شد. در همین مدت، برای گروه گواه برنامه راهبردهای مداخله‌ای اجرا نشد و مربیان این گروه (مربیان هشت کلاس) به انجام همان فعالیتهای معمول آموزش، مشغول بودند. در پایان سال تحصیلی دوباره خرده‌حیطه کنجکاوی و علاقه سیاهه ارزیابی آمادگی تحصیلی کودکان پیش‌دبستانی در حیطه رویکردها به یادگیری برای هر دو گروه آزمایش و گواه به‌وسیله مربیان تکمیل شد. بعد از اجرای مرحله پس‌آزمون، پرسشنامه‌های تکمیل‌شده جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

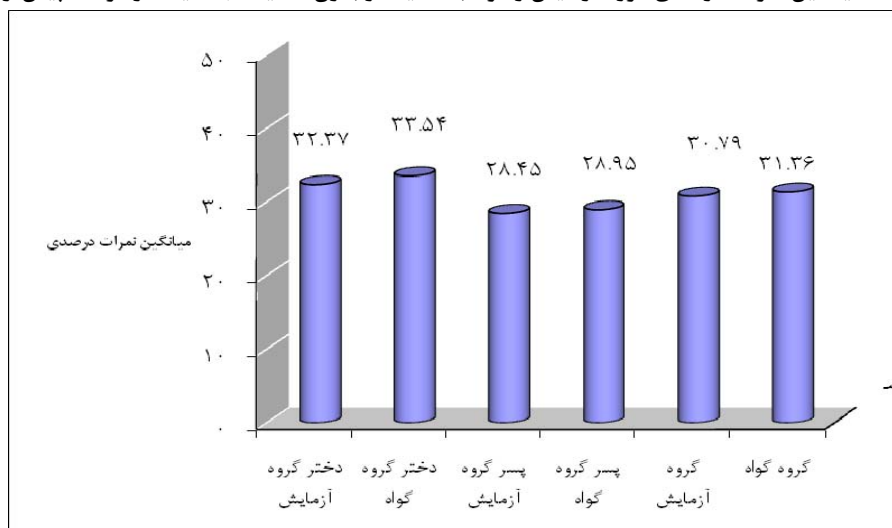
در جدول شماره یک، میانگین نمرات خام و درصدی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی پیش‌دبستانی گروه‌های آزمایش و گواه، در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در مؤلفه کنجکاوی و علاقه آورده شده است.

جدول ۱. میانگین نمرات خام و درصدی دانش آموزان کم توان ذهنی
پیش دبستانی گروههای آزمایش و گواه در مرحله پیش آزمون و پس آزمون

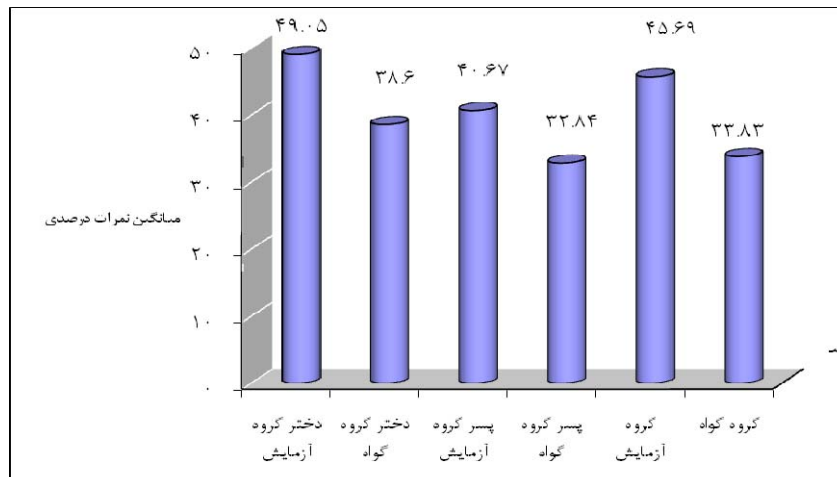
شاخصهای آماری گروه ها	پیش آزمون			پس آزمون		
	میانگین	انحراف	میانگین	میانگین	انحراف	میانگین
	نمرات خام	درصدی	نمرات خام	نمرات درصدی	معیار	درصدی
دانش آموزان دختر گروه آزمایش	۱۵/۵۲	۳۲/۳۷	۱۰/۱۸	۲۳/۵۲	۴۹/۰۵	۱۲/۵۲
دانش آموزان دختر گروه گواه	۱۶/۰۸	۳۳/۵۴	۹/۱۷	۱۸/۵۱	۳۸/۶۰	۹/۸۷
دانش آموزان پسر گروه آزمایش	۱۳/۶۴	۲۸/۴۵	۱۰/۶۸	۱۹/۵۰	۴۰/۶۷	۱۴/۰۸
دانش آموزان پسر گروه گواه	۱۳/۹۱	۲۸/۹۵	۱۰/۱۲	۱۵/۷۴	۳۲/۸۴	۱۰/۹۵
دانش آموزان گروه آزمایش (دختر و پسر)	۱۴/۷۷	۳۰/۷۹	۱۰/۳۵	۲۱/۹۱	۴۵/۶۹	۱۳/۲۱
دانش آموزان گروه گواه (دختر و پسر)	۱۵/۰۴	۳۱/۳۶	۹/۶۳	۱۷/۱۸	۳۵/۸۳	۱۰/۴۲

در نمودار شماره یک و دو میانگین نمرات
درصدی گروههای آزمایش و گواه، به تفکیک جنسیت
و به صورت کلی، به ترتیب در مرحله پیش آزمون و
پس آزمون نمایش داده می شود.

نمودار ۱. میانگین نمرات درصدی گروه آزمایش و گواه با تفکیک و بدون تفکیک جنسیت در مرحله پیش آزمون



نمودار شماره ۲. میانگین نمرات درصدی گروه آزمایش و گواه با تفکیک و بدون تفکیک جنسیت در مرحله پس آزمون



نظر آماری، معنادار نباشد؛ بنابر این جهت تعیین معناداری تفاوت موجود از روشهای آماری مرتبط استفاده می‌کنیم.

در جدول ۲ تجزیه و تحلیل داده‌های متغیر وابسته (MANOV) آورده شده که نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین گروه مورد مطالعه با متغیرهای وابسته بهبود عملکرد در مؤلفه کنجکاوی و علاقه در سطح ($\alpha = 0/01$) وجود دارد. در ضمن، برای اثر اصلی جنس و اثر تعاملی گروه - جنس ارتباط معناداری دیده نمی‌شود.

جدول ۲. تجزیه و تحلیل داده‌های متغیر وابسته MANOVA

آثار متغیرهای تحقیق	متغیرهای وابسته (مؤلفه‌ها)	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	میزان F	سطح معناداری
اثرات اصلی	گروه	۷۹۴/۹۳	۱	۷۹۴/۹۳	۳۳/۷۸	۰/۰۰
جنس	افزایش کنجکاوی و علاقه	۶۵/۲۹	۱	۶۵/۲۹	۲/۷۷	۰/۰۹
اثرات تعاملی	گروه - جنس	۲۰/۲۹	۱	۲۰/۲۹	۰/۸۶	۰/۳۵
خطا	افزایش کنجکاوی و علاقه	۳۲۲۳/۴۵	۱۳۷	۲۳/۵۲		
کل	افزایش کنجکاوی و علاقه	۷۲۰۴/۰۰	۱۴۱			

دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی می‌شود. ضمناً جدا از سؤال اصلی پژوهش در مورد اثرات اصلی جنس (دختر و پسر) و اثرات تعاملی گروه - جنس می‌توان اشاره کرد که در اثرات اصلی جنس (دختر و پسر) که F برابر با ۲/۷۷ شده، تفاوت در سطح ($\alpha = 0/01$) معنادار نیست؛ به عبارت دیگر بین آزمودنیهای دختر و پسر، در اثربخشی راهبردهای یادگیری مداخله‌ای تفاوت معناداری وجود ندارد؛ همچنین در اثرات تعاملی گروه - جنس همان‌گونه که مشاهده می‌شود F برابر با ۰/۸۶ است و تفاوت معناداری در سطح ($\alpha = 0/01$) دیده نمی‌شود؛ بنابراین تعاملی بین این متغیرها وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

اثربخشی راهبردهای یادگیری، بر افزایش کنجکاوی و علاقه تحصیلی در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی، دو مبحث را پیش رو می‌گذارد: اولاً توجه به مداخله بهنگام را که در مرور

همان‌گونه که از جدول ۱ و نمودارهای ۱ و ۲ می‌توان مشاهده نمود میانگین نمرات خام و نمرات درصدی هر دو گروه آزمایش و گواه، در مرحله پس‌آزمون، بیشتر از مرحله پیش‌آزمون است. افزایش نمرات هر دو گروه در مرحله پس‌آزمون کاملاً طبیعی است؛ زیرا، بر اثر آموزش تغییراتی در جهت مطلوب، در هر دو گروه به وجود آمده است. با این حال میزان افزایش میانگین نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش؛ که برنامه مداخله‌ای مبتنی بر راهبردهای یادگیری در مورد آنها اعمال شده است، در ظاهر، بیشتر از گروه گواه است. با وجود این چنین افزایشی ممکن است از

با توجه به جدول ۲، می‌توان مطرح کرد که در ویژگی آثار متغیرهای تحقیق، اثرات اصلی مربوط به گروه، حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین عملکرد دو گروه آزمایش و گواه در سطح ($\alpha = 0/01$) وجود دارد؛ به این ترتیب در مورد سؤال اصلی پژوهش، می‌توان چنین اظهار کرد:

سؤال اصلی پژوهش: آیا برنامه مداخله‌ای راهبردهای یادگیری، باعث افزایش کنجکاوی و علاقه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی پیش‌دبستانی می‌شود؟ با توجه به جدول مذکور می‌توان مطرح کرد که ویژگی آثار متغیرهای تحقیق اثرات اصلی مربوط به گروه، حاکی از آن است که در مؤلفه کنجکاوی و علاقه F برابر با ۳۳/۷۸ شده و تفاوت معناداری میان عملکرد دو گروه آزمایش و گواه در سطح ($\alpha = 0/01$) وجود دارد؛ به عبارت دیگر عملکرد گروه آزمایش، بالاتر از گروه گواه است. به این ترتیب راهبردهای یادگیری مداخله‌ای باعث افزایش کنجکاوی و علاقه

ادبیات آموزش و پرورش و حوزه رشد کودکان بسیار حائز اهمیت است، مطرح می‌سازد؛ ثانیاً برنامه‌ای را که در جهت راهبردهای مداخله‌ای تدوین شده، اثرگذار و قابل استفاده معرفی می‌کند.

پژوهش حاضر، به منظور بررسی اثربخشی راهبردهای یادگیری بر افزایش کنجکاوی و علاقه دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی که در قالب یک برنامه آموزشی تدوین شده بود، انجام گرفته است. برای رسیدن به این منظور، سؤال اصلی با این عنوان مطرح شد که آیا راهبردهای یادگیری مداخله‌ای، باعث افزایش کنجکاوی و علاقه تحصیلی در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی می‌شود؟ یافته‌های حاصل از اجرای برنامه مبتنی بر راهبردهای یادگیری مداخله‌ای نشان داد که اجرای برنامه مداخله‌ای مذکور، باعث افزایش عملکرد آزمودنیهای گروه آزمایش می‌شود. نتایج حاصل از اجرای برنامه آموزشی مبتنی بر راهبردهای یادگیری مداخله‌ای نشان‌دهنده تأثیر مثبت برنامه فوق بر کنجکاوی و علاقه تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی کم‌توان ذهنی است. یکی از انتظارات مهم مربوط به نقش برجسته برنامه‌های مداخله‌ای در پیشگیری از عوامل ایجادکننده تأخیر در رشد عقلی است. انتظار مهم دیگر این است که برنامه مداخله‌ای نه تنها قادر به کاستن از تأخیر رشد عقلی کودک است، بلکه می‌تواند مشکلات ثانویه ناشی از آن را نیز بکاهد. شواهد نشان می‌دهد که کودکان و خانواده‌هایشان این انتظارات را از برنامه‌های مداخله‌ای طلب می‌کنند. برای دستیابی به چنین خواسته‌ای، باید سامانه معقولی از مداخله بهنگام در هر جامعه ایجاد شود. به منظور ارائه برنامه‌های مداخله‌ای مناسب برای کودکان، هر نوع مداخله بهنگام، باید مبتنی بر سیاست‌گذاریهای واقعی و نیازهای موجود باشد. برنامه مذکور باید علاوه بر همخوانی با منابع موجود، نسبت به فرهنگ جامعه و انتظارات برخاسته از برنامه‌های متخصصان حساس باشد (گورالنیک، ۲۰۰۵).

در مورد اثربخشی راهبردهای یادگیری بر افزایش کنجکاوی و علاقه، نتایج آماری حاصل از اجرای برنامه مداخله‌ای، نشان‌دهنده تأثیر مثبت برنامه مداخله‌ای بر بهبود عملکرد دانش‌آموزان دختر و پسر گروه آزمایش در مؤلفه کنجکاوی و علاقه است. کالینز (۱۹۹۶) کنجکاوی را همانند تخیل رویکردی برای دانستن تلقی می‌کند. شالتیس و استید (۲۰۰۴) نیز وقتی کنجکاوی را به همراه چند جنبه دیگر از خصوصیات دانش‌آموزان از جمله علاقه‌ها، بررسی کردند، دریافتند که این ویژگی‌ها با یکدیگر همبستگی قابل توجهی دارند. نتایج پژوهش لاکسو و همکاران (۲۰۰۴)، دونون و ویولاتو (۲۰۰۳)، بریانت و وینسلو (۲۰۰۵)، کاتلت و هامل (۲۰۰۶)، اداره آموزش کالیفرنیا (۲۰۱۰)، دومینیگوئز و همکاران (۲۰۱۰) و گروه آموزشی یادگیری خردسالی از دفتر آموزش عمومی واشنگتن (۲۰۱۲) نیز نشان‌دهنده آن است که اجرای برنامه مداخله‌ای مناسب، موجب افزایش کنجکاوی و علاقه دانش‌آموزان پیش‌دبستانی می‌شود.

در پژوهش حاضر نیز برنامه مداخله‌ای که براساس راهبردهای یادگیری حیطه رویکردها به یادگیری تدوین و تنظیم شده موفق به ایجاد تغییرات آموزشی مورد نظر شده است. آزمودنیهای گروه آزمایش که متشکل از چهار کلاس پیش‌دبستانی دخترانه و چهار کلاس پیش‌دبستانی پسرانه هستند، پس از اجرای برنامه مداخله‌ای نسبت به دانش‌آموزان پیش‌دبستانی دختر و پسر گروه گواه، از پیشرفت معناداری برخوردار بوده‌اند؛ به عبارت دیگر برنامه تدوین شده موفق گردیده است عملکرد دانش‌آموزان دختر و پسر کم‌توان ذهنی پیش‌دبستانی گروه آزمایش در کنجکاوی و علاقه تحصیلی را بهبود بخشد. در پایان پیشنهاد می‌شود چنین پژوهشی در دیگر گروههای سنی، تحصیلی و جغرافیایی انجام گیرد و پرسشنامه‌هایی تدوین شود که والدین نیز بتوانند ایجاد تغییرات احتمالی کودکان را در آن، گزارش کنند؛ همچنین علاوه بر استفاده از سیاهه آمادگی تحصیلی از دوربینهای فیلم‌برداری و

Carta, J., Schwartz, I. Atwater, J., McConnell, S. (1991). Developmentally appropriate practice: Appraising its usefulness for young children with disabilities. *Topics in Early Childhood Special Education*, 11(1), 1-20.

Catlett, C. & Hamel, S.E. (2006). *Early Learning Standards for North Carolina Preschoolers and Strategies for Guiding their Success*. University of North Carolina, FPG Child Development Institute.

Collins, J. G. (1996). Promoting Scientific Literacy: An Opportunity for the Neuroscience Community. *The Neuroscientist*, 2(2), 87-89.

Dominguez, X., Vitiello, V.E., Maier, M.F. & Greenfield, D.B. (2010). A Longitudinal Examination of Young Children's Learning Behavior: Child-Level and Classroom-Level Predictors of Change Throughout the Preschool Year. *School Psychology Review (SPR)*, 39(1):29-47.

Donnon, T. & Violato, C. (2003). Testing Competing Structural Models of Approaches to Learning in a Sample of Undergraduate Students: A Confirmatory Factor Analysis. *Canadian Journal of School Psychology*, 18(1/2): 11-22.

Feldman, M.A. (2004). *Early Intervention*. Malden, Blackwell Publishing.

Fujiura G. T. & Yamaki K. (2000) Trends in demography of childhood poverty and disability. *Exceptional Children*, 66, 187-199.

Goodson, B.D. (2009). How do we close the gap for at-risk children? Presentation at the *Fourth Annual Institute of Education Sciences Research Conference*, Washington, D.C.

Guralnick, M. J. (2005). Early intervention for children with intellectual disabilities: Current knowledge and future prospects. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, 18(4), 313-324.

Kagan, L.K., Moore, E. & Bredkamp, S. (1995). *Reconsidering Children's Early Development and Learning: Toward Common Views and Vocabulary*. Washington DC. DIANE Publishing.

Kagan, L.K., Moore, E. & Bredkamp, S. (1998). *Reconsidering Children's Early Development and Learning: Toward Common Views and Vocabulary*. Washington DC. DIANE Publishing.

Kagan, S.L., Britto, P.R., Kauerz, K. & Tarrant, K. (2004). *Washington State Early Learning and Development Benchmarks*. Columbia University, Teachers College Press.

Katz, L.G. (1992). Approaches to Learning: A Perspective on Children coming to School Ready to Learn. Manuscript Prepared for the Goal 1 Resource Group on School Readiness for the National Education Goals Panel.

ویدیویی (به گونه‌ای که توجه دانش‌آموزان جلب نشود) نیز استفاد گردد.

یادداشتها

- 1) National Education Goals Panel
- 2) approaches to learning
- 3) learning approaches
- 4) self control
- 5) imagination
- 6) exploration
- 7) locus of control
- 8) self-concept
- 9) Washington Office of Public Instruction

منابع

دلاور، علی (۱۳۷۷). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش.

راغب، حجت‌اله. الف (۱۳۸۶). طرح ملی ارزیابی آمادگی تحصیلی کودکان عادی و کم‌توان ذهنی در بدو ورود به دبستان در حیطه رویکردها به یادگیری. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.

راغب، حجت‌اله. ب (۱۳۸۶). ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه ارزیابی آمادگی تحصیلی کودکان پیش‌دبستانی در حیطه رویکردها به یادگیری. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ج ۲۵، ۳، ۲۸۶-۲۶۵.

Atkins, M. (2004). For Goin, For curiosity or For Edification: Why Do We Teach and Learn? New York. *The Continuum Publishing Group*. 104-117.

Atwater, J., Carta, J., Schwartz, I., McConnell, S. (1994). *Blending Developmentally appropriate practice and early childhood special education: Redefining best practice to meet the needs of children*. New York: Teachers College Press.

Berry P., Gunn V. P. & Andrews R. J. (1984). Development of Down's syndrome children from birth to five years. In: *Perspectives and Progress in Mental Retardation: Vol. 1. Social, Psychological, and Educational Aspects* (ed. J. M. Berg), pp. 167-177. University Park Press, Baltimore, MD.

Bryant, M. & Winslow, V. (2005). Florida Head Start: A Portrait of Our Head Start Children's outcomes. *The MISSION of the Florida Head Start Association Research Committee*.

California Department of Education. (2010). *Desired Results Developmental Profile*. Sacramento: DRDP-PS.

Carta, J. (1995). Developmentally appropriate practice: A critical analysis as applied to young children with disabilities. *Focus on Exceptional Children*, 27(6), 1-14.

- Kauffman, J. (1999). Commentary : Todays special education and its message for tomorrow. *Journal of Special Education*, 32(4), 244-254.
- Laakso, M. L., Poikkeus, A. M., Eklund, K., Lyytinen, P. (2004). Interest in Early Shared Reading: Its Relation to Later Language and Letter Knowledge in Children With and Without Risk for Reading Difficulties. *First Language*, 24(3), 323-345.
- Loewenstein, G. (1994). The Psychology of Curiosity: A Review and Reinterpretation. *Psychological Bulletin*, 116 (1) : 75-98.
- Msall M. E., Bier J., LaGasse L., Tremont M., Lester B.(1998). The vulnerable preschool child: the impact of biomedical and social risks on neurodevelopmental function. *Seminars in Pediatric Neurology* 5, 52-61.
- National Education Goals panel. (1991). *The Goal 1 technical planning subgroup report on school readiness*. Washington' DC.
- Novic, R. (1993). Activity-based intervention and developmentally appropriate practice: Points of convergence . *Topics in Early Childhood Special Education*, 13(4), 403-417.
- Odom, S.L.(1988). Reasearch in early childhood special education: Methodologies and paradigms. In S.L. Odom & M.B. Karenes (Eds) , *Early intervention for infants and children with handicaps : An empirical base* (pp. 1-21). Baltimore: Paul H. Brooks publishing Co.
- Olness, K. (2003). Effects on brain development leading to cognitive impairment: A worldwide epidemic. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, 24, 120-130.
- Park J., Turnbull A. P. & Turnbull H. R. (2002) Impacts of poverty on quality of life in families of children with disabilities. *Exceptional Children*, 68, 151-170.
- Pretti-Frontczak, K., Bricker, D.(2004). *An Activity-Based Approach to Early Intervention*. Baltimore , Maryland. Paul H. Brooks Publishing Co.
- Schultheiss, D. E. P., Stead, G. B. (2004). Childhood Career Development Scale: Construction and Psychometric Properties. *Journal of Career Assessment*, 12(2), 113-134.
- Sharav T. & Shlomo L. (1986) Stimulation of infants with Down syndrome: long-term effects. *Mental Retardation* , 24, 81-86.
- Stednitz, U. (1986). The Influence of Educational Enrichment on Self-Efficacy and Interest Levels in Young Children. *Topics in Early Childhood Special Education*, 6(1), 39-49.
- The Department of Early Learning (DEL), the Office of Superintendent of Public Instruction (OSPI) & Thrive by Five Washington. (2012). *Washington State Early Learning and Development Guidelines:birth through grade 3*, Washington, D.C.
- Warren, S., Kaiser, A. (1986). Incidental Language teaching: A critical review. *Journal of Speech and Hearing Disorders*, 51, 291-299.
- Wolf, D.P. (1992). Approaches to Learning: A Perspective on Children coming to School Ready to Learn. Manuscript Preapard for the Goal 1 Resource Group on School Readiness for the National Education Goals Panel.
- Woods, P. A., Corney M. J. & Pryce G. J. (1984). Developmental Progress of preschool Down's syndrome children receiving a home-advisory service: an interim report. *Child: Care, Health and Development*, 10, 287-299.

